

انجمن معارف و مدارس نوین در ایران

آرش زنگنه

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات ایران.

ArashZanganeh20211400@yahoo.com

دکتر امیر تیمور رفیعی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات ایران

دکتر کیوان لولویی

استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات ایران

دکتر بشری دلریش

استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ

سال ۱۵ شماره ۵۷ تابستان ۱۳۹۹ صفحه ۲۷۲-۲۵۹

چکیده:

در سال ۱۳۱۵ ق انجمنی با هدف تاسیس مدارس جدید و توسعه معارف در تهران تشکیل شد که به نام انجمن معارف مشهور گردید. این انجمن با جمع آوری اعانات و کمک های مردمی، به روند مدرسه سازی کمک کرده و در مدت شش ماه مدرسی مانند افتتاحیه، ابتدائیه، علمیه و مظفریه را تاسیس نموده و سه هزار دانش آموز را در این مدارس گرد آورد. علاوه بر آن انجمن در زمینه چاپ کتاب و ترجمه و انتشار روزنامه معارف و تشکیل کلاس های بزرگسالان اقدام کرد. اما غرض شخصی برخی از اعضاء و اختلاف موجود میان آنان نگذاشت این انجمن به اهداف فرهنگی خود دست یابد. با برکناری امین الدوله انجمن دچار مشکلات فراوانی شد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به بحث و بررسی این موضوع پرداخته و علل و عوامل عدم موفقیت آن بررسی خواهد شد.

کلید واژه: امین الدوله، انجمن معارف، رشديه، مدارس نوین

مقدمه :

مطالعات تاریخ مدارس جدید نشان می‌دهد که این مدارس با پیدایش شرایط جدید در ایران، از سوی عده‌ای از افراد فرهنگ دوست و میهن پرست تاسیس شده و رفته رفته به صورت نهاد رسمی درآمد. گفتنی است که در تاسیس مدارس جدید، در آغاز سهم افراد فرهنگ پژوه و آزادی خواه به مراتب بیش از سرکردگان دستگاه حکومتی قاجار بود و پیش از آن که وزارت فرهنگ یا به اصطلاح آن روزگار وزارت معارف اقدام به گشایش مدرسه بکند، تاسیس مدارس جدید توسط افراد و انجمن‌های فرهنگی صورت گرفت. این انجمن‌ها یا رسمی بود یعنی از رجال و دولتمردان نیز در آن عضویت داشتند و یا غیر رسمی و حکومت دخالتی در کار آنان نداشت. به هر صورت یکی از عوامل گسترش مدارس جدید در ایران همین رواج انجمن‌ها بود.

یکی از انجمن‌هایی که بانی مدارس جدید در تهران شد، انجمن معارف بود که در سال ۱۳۱۵ ق و در دوره صدارت میرزا علی خان امین‌الدوله تاسیس شد. این انجمن در دوره حیات خود اقدامات مفید فرهنگی مهمی در راه تاسیس و گسترش مدارس نوین انجام داد به نحوی که در اندک زمانی ۳۶ باب مدرسه فقط در تهران ساخته شد و تاسیس و گسترش مدارس جدید یکی از عوامل بیداری ایران در عهد مشروطه بود..

انجمن معارف در حکم جریان فکری - فرهنگی بود که توسط عده‌ای از افراد روشنفکر در دوره مظفردالدین شاه تشکیل شد و نقش مهمی در پیدایش و گسترش مدارس نوین داشت و علاوه بر این اگر چه در ابتدا با موانع و مشکلات فراوان مواجه شد اما این جریان فکری و فرهنگی استمرار پیدا کرد و بعد ها نهادهای نوین‌پای فرهنگ، نام معارف را سرلوحه خود قرار دادند و وزارت علوم و آموزش و پرورش از این واژه استفاده کردند. این مقاله سعی دارد زمینه‌های پیدایش انجمن معارف و اقدامات فرهنگی آن را مورد بحث و بررسی قرار داده و به این سئوالات اصلی بپردازد: علل و زمینه‌های پیدایش انجمن معارف چه بود؟ این انجمن در طول حیات خود دست به چه اقداماتی زد و نقش آن در گسترش مدارس نوین چه بود؟

در تحقیقات و پژوهش‌های جدید اشاره اندکی به چگونگی تاسیس انجمن معارف شده است. در فرهنگ‌نامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها اشاره کوتاهی به پیدایش این انجمن شده است، مثلاً در جلد ۱۰ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی مقاله کوتاهی با عنوان انجمن معارف اثر علی میرانصاری ارائه گردیده است و در بعضی از کتبی که پیرامون مدارس نوین در دوره قاجار نوشته شده اشاره‌ای هر چند کوتاه نیز به این انجمن شده است. این اثر سعی دارد زمینه‌های پیدایش، رشد و فعالیت‌های این انجمن را مورد بررسی قرار دهد و نقش این انجمن در پیدایش و زمینه‌سازی آموزش و پرورش نوین را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

بحث

نقش انجمن معارف در پیدایش مدارس نوین: با ترور ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ق) مسافرت‌های مردم به خارج از مملکت افزایش یافت. افزایش مبادلات اقتصادی با ممالک خارجی، طبقه‌ای از تجار و بازرگانان را شکل داده بود که برای فعالیت‌های اقتصادی به کشورهای همجوار و اروپایی مسافرت می‌کردند. برخی از اعیان و بزرگان نیز فرزندان خود را برای فراگیری علوم و فنون جدید به فرنگستان می‌فرستادند. مردم که طبعاً در این مدت ده بیست سال اخیر از اوضاع اروپا چیزهایی شنیده و چشم و گوششان تا حد زیادی باز شده بود همین که عدم توجه شاه به این غدغن‌های معروف و جلوگیری دانش و بینش را احساس کردند به جانب چیزهای تازه و معلومات جدید هجوم آوردند و عده‌ای زیاد به اروپا رفتند. دیگر مثل دوران ناصرالدین شاه نبود که کسی جرئت بیان اوضاع و ترتیبات اجتماعی و سیاسی ملل و دول اروپا را نداشته باشد. هر کس هر چه می‌دانست بی پروا صحبت میکرد. اهل مطالعه که سابقاً جز کتاب‌های قدیمه چیزی نمی‌خواندند با خبر شدند که خیلی از مطالب خواندنی از قماش دیگر هست (مستوفی، ۱۳۴۳: ۱۹/۳).

رفت و آمدها به خارج از ایران و آشنایی با علوم و اندیشه‌های جدید زمینه‌های ترقی‌خواهی را در ایران فراهم ساخت، روزنامه‌ها از ضرورت تغییر در ایران سخن گفتند. احساس نیاز به فراگیری علوم جدید در بین طبقات از جامعه و ضرورت‌های حاکمیتی در تامین نیروی انسانی مورد نیاز

نهادهای جدید، تقاضا برای برپایی مدارس جدید را در بخش دولتی و غیر دولتی افزایش داد. در پی این رفت و آمدها ضرورت‌های اجتماعی که سر بر آورده بودند، فرصتی برای تشکیل انجمن معارف از سوی برخی از نیروهای غیر دولتی فراهم کرد. هدف از تشکیل این انجمن غیر دولتی برپایی مدارس جدید در سراسر ایران بود. تشکیل انجمن غیر دولتی معارف در سال ۱۳۱۵ هجری کمک بزرگی به گسترش مدارس جدید در ایران بود. انجمن معارف مرکب از افرادی بود که به تاسیس مدارس جدید دست زدند و یا از تاسیس مدارس جدید حمایت کردند. نخستین مدرسی که به کمک این انجمن برپا شدند عبارت بودند از: علمیه، ابتدائیه، شرف، افتتاحیه، مظفریه، ادب، سادات و دانش و ... بود تمام هزینه‌های مدارس تحت نظارت انجمن معارف و به توسط این انجمن تامین می‌شد که از کمک‌های مردمی و دولتی جمع‌آوری می‌شد (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۱/۱).

چگونگی تاسیس انجمن معارف: میرزا علی خان امین‌الدوله فرزند میرزا محمد خان مجدالملک است که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری در تهران متولد شد (افشار، ۱۳۶۵: ۳۵)، وی مبادی تحصیلات فارسی و عربی را در تهران فراگرفت و همراه پدر که عنوان کارپرداز سفارت ایران در بغداد را داشت روانه بغداد شد. در این مسافرت سطح معلومات میرزا علی خان بخصوص در عربی بالا رفت و حسن خط و انشاء را نزد پدر تکمیل کرد. میرزا علی خان که جوانی تحصیل کرده بود توسط دایی خود پاشاخان امین‌الملک به حضور ناصرالدین شاه معرفی شد و به عنوان منشی حضور جزو پیشخدمتان خاصه همایونی استخدام شد (صفایی، ۱۳۶۳: ۶۸/۱).

وی در سال ۱۲۸۷ هجری قمری با سمت منشی پیشخدمت مخصوص جزو ملتزمان رکاب ناصرالدین به عتبات بود. در سال بعد او را به لقب امین‌الملک مفتخر ساخت و در امور سیاسی مورد مشورت شاه قرار گرفت. در سال ۱۲۹۰ ق به وزارت رسائل منصوب شد و در همین سال همراه ناصرالدین شاه و سپهسالار عازم اروپا شد (رشدیه، ۱۳۷۰: ۳۵). وی در سال ۱۲۹۹ ق به وزارت وظائف و اوقاف منصوب گردید و هم در این سال به لقب امین‌الدوله ملقب گشت (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۵۵/۱). در سفر سوم ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ ق به اروپا رفت و از ترقیات و نظم اجتماعی اروپائیان درس‌های بسیار گرفت. سرپیشرفت اروپا و عقب ماندگی مشرق زمین

بخصوص ایران را فهمید و بر آن شد تا به اندازه وسع خود با جهل و نادانی مبارزه کند. با قتل ناصرالدین شاه و به قدرت رسیدن مظفرالدین شاه، امین‌الدوله به پیشکاری آذربایجان مامور شد (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۱۵۵/۱).

امین‌الدوله در تبریز به فکر اصلاحات اجتماعی و فرهنگی همت گماشت و از میرزا حسن رشديه که از سال ۱۳۰۵ هجری قمری دبستانی به سبک و شیوه نوین در تبریز دایر کرده بود و در این راه با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده بود (کسروی، ۱۳۵۶: ۲۱) دعوت و از نزدیک با اهداف و برنامه‌های او در زمینه آموزش به شیوه نوین قرار گرفت و قول همکاری به میرزا حسن رشديه داد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۳۷۰/۱). میرزا حسن رشديه که در سال‌های قبل با مشکلات فراوان روبرو شده بود و بارها تبعید شده بود به پشتوانه امین‌الدوله اقدام به تاسیس مدرسه جدید کرد و کار او رونق و رواج فراوان یافت.

پس از این که امین‌الدوله به صدارت رسید، میرزا حسن رشديه را نیز به تهران فراخواند تا مدرسه‌ای به سبک جدید در تهران تاسیس کند. رشديه نیز سرپرست مدرسه رشديه تبریز را به برادرش واگذار کرد و خود عازم تهران شد، بدین ترتیب با کمک امین‌الدوله نخستین مدرسه در تهران به سال ۱۳۱۵ ق / ۱۸۹۷ م گشایش یافت. در همین سال به منظور گسترش مدارس جدید و کمک به اداره و رشد و گسترش مدارس جدید در تهران انجمنی با عنوان انجمن تاسیس مکاتب ملیه ایران که بعدها به اسم «انجمن معارف» موسوم گشت، توسط عده‌ای از رجال فرهنگ دوست گشایش یافت (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۷/۱).

بنابراین انجمن معارف، انجمنی بود که از برخی معارف دوستان ایرانی به اهتمام شخصیت‌هایی مانند امین‌الدوله و احتشام السلطنه با هدف تاسیس مدارس جدید و توسعه معارف در تهران تشکیل شد. دولت‌آبادی در این زمینه می‌نویسد: «در این زمان حرکتی همسو از طرف برخی از تجدد طلبان مانند احتشام السلطنه ظهور کرد و ایشان نخستین بار در رجب ۱۳۱۵ هجری به ابتکار کریم-خان سوادکوهی، سردار مکرّم فراهم آمدند تا مدرسه‌ای شبانه روزی برای تعلیم و نگهداری دانش آموزان یتیم تاسیس کنند.» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱۹۱/۱). این جلسه منجر به تشکیل انجمن معارف

شد که هدف آن بسط و توسعه مدارس جدید بود. امین الدوله با نفوذ خود، وزیر علوم یعنی نیرالملک را به ریاست انجمن برگماشت و برای نشان دادن همراهی خود با اهداف انجمن در باغ مسکونی خویش، مدرسه رشديه را بر پا ساخت (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۷/۱).

اعضای انجمن در نخستین گام خود دچار دو دستگی و اختلاف نظر شدند. عده ای مانند مفتاح الملک و ممتحن الدوله، زیر نظر احتشام السلطنه به رقاب با امین الدوله و همفکران او، یعنی میرزا حسن رشديه و نیرالملک پرداختند. همفکران احتشام السلطنه خیلی زود توانستند بر رقیبان خود غلبه یابند و نیرالملک به رغم آن که ریاست انجمن معارف را داشت، اما عمده فعالیت ها به دست احتشام السلطنه و نفوذ او صورت می گرفت. از جمله اقدامات احتشام السلطنه، جمع آوری اعانه از طبقات مختلف مردم و نیز محدود ساختن بودجه مدرسه رشديه بود (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۳۶). پس از تاسیس مدرسه رشديه و حمایت امین الدوله از آن، کسان دیگری هم به پیروی از صدراعظم، مدرسه هایی بر پا داشتند چنان که در پایان صدارت او شمار این مدارس به ۳۰ باب رسید. وی با این تمهیدات توانست در مدت ۶ ماه، مدرسی مانند افتتاحیه، ابتدائیه، علمیه و مظفریه را بر پا سازد و ۳ هزار دانش آموز در این مدارس گرد آورد (میرانصاری، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۱۷-۳۱۶).

در محرم ۱۳۱۶ هجری قمری، امین الدوله از صدارت معزول شد و امین السلطان به صدارت رسید. در این زمان رقابت بین اعضای انجمن معارف بیشتر شد و دسته بندی های جدید تشکیل شد و همین اختلافات سبب شد که احتشام السلطنه از انجمن اخراج گردد. مردم به علت خراج شدن احتشام السلطنه از انجمن، دیگر حاضر به کمک مالی به انجمن نشدند. این موضوع و همچنین افشای سوء استفاده های مالی از بودجه انجمن سبب شد تا مفتاح الملک هم خود را از اداره انجمن دور سازد. نتیجه نهایی آن بود که در شوال ۱۳۱۸ هجری انجمن در عمل به حالت انحلال و تعطیل افتاد (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۲۷۱).

بعد از تشکیل انجمن معارف در تهران، انجمن تبریز همانند انجمن معارف تهران حاصل کار گروهی از روشنفکران متجدد و آزادی خواه، روحانیان روشنفکر و تجار ترقی خواه بود که به منظور تاسیس مدارس نوین و نشر معارف جدید در سال ۱۳۱۸ ق در شهر تبریز تشکیل شد. اعضای انجمن که گروهی از مدیران مدارس نیز عضو آن بودند برای ایستادگی در برابر مخالفان و اداره

مدارس و تنظیم برنامه و اصول تدریس، جلسات منظمی داشتند که تا سال ۱۳۲۱ ق دایر بود. در این سال به بهانه اخراج مسیو پریم بلژیکی، آشوبی در شهر تبریز رخ داد که بر اثر آن برخی از موسسات آموزشی نوین تاراج شد و از جمله آنها مدرسه کمال با مدیریت میرزا حسین خان بود که روزنامه ای نیز به همین نام داشت.

این انجمن پس از این واقعه مدتی از فعالیت بازماند ولی دوباره در سال ۱۳۲۲ ق آغاز به کار کرد و از این سال به بعد مدارس جدیدی در تبریز رو به گسترش نهاد. بنیان‌گذاران انجمن معارف تبریز که ۲۶ نفر بودند مدتی بعد جزو رهبران و پیشروان جنبش مشروطیت آذربایجان شدند (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۳۰۲/۱).

با برکناری امین الدوله، انجمن معارف دچار مشکلات فراوانی شد و تا سر حد انحلال پیش رفت، اما در زمان میرزا علی اصغر خان اتابک تلاش برای قانونمند کردن وزارت علوم آغاز شد. در سال ۱۳۱۹ هجری طبق نظام نامه ای که توسط سه اروپایی به نام های دکتر شیندر (طیب شاه)، مسیو هپینگ (مشاور شاه) و مسیو واشر (رئیس مدرسه فلاحت) تهیه شده بود و به امضای شاه رسید به غیر از سه مدرسه علوم سیاسی، نظامی و فلاحت که به ترتیب در کنترل وزارت خارجه، وزارت جنگ و حکومت تهران قرار داشت، مابقی مدارس تحت نظارت وزارت معارف در آمدند و به دو دسته ابتدایی و متوسطه تقسیم شدند. ضمناً برای هر سطح، رئیسی نیز در نظر گرفته شده بود. از آن پس به جای انجمن معارف، شورای عالی معارف تشکیل شد که سه اروپایی مذکور نیز از اعضای آن بودند (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۹/۱).

فعالیت‌های انجمن معارف: انجمن معارف در طول حیات کوتاه خود فعالیت‌های فرهنگی متعددی انجام داد که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف) تاسیس مدرسه: امین الدوله معتقد بود که درد ملت ایران نادانی است و دواي آن نیز دانایی است از این رو بیش از هر کاری به گسترش فرهنگ و آموزش اهمیت می‌داد وی راه برون رفت از مشکلات را توسعه معارف می‌دانست و توسعه معارف جز از راه تاسیس مدرسه امکان پذیر نیست. لذا زمانی که حاکم آذربایجان بود، میرزا حسن رشديه را که از سال‌های قبل در فکر رواج

مدارس به سبک نوین بود و در این کار نیز گرفتار مشکلات چندی شده بود را دعوت کرد تا مدرسه‌ای را در تبریز دایر کند. این مدرسه در دوره حاکمیت امین الدوله بر تبریز رونق فراوان یافت و مورد استقبال فراوان قرار گرفت. در دوره صدارت امین الدوله، وی از میرزا حسن رشديه در خواست کرد تا مدرسه‌ای در تهران تاسیس کند. لذا یک باب مدرسه ابتدائی به همت امین الدوله دایر شد و مدیر آن میرزا حسن رشديه بود (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۲۷۱).

ساخت این مدارس پس از امین الدوله توسط درباریان نیز دنبال شد که نخستین نفر آن با توجه به گزارش‌ها سردار مکرم فیروز کوهی امیر تومان که مدرسه‌ای تحت عنوان «مدرسه خیریه» تاسیس کرد. این مدرسه را می‌توان نخستین مدارس شبانه روزی ایران نامید که تحصیل در آن هزینه‌ای به همراه نداشت و متعلمین مجانی در آن درس می‌خواندند. یکی دیگر از مدارس که توسط انجمن معارف ساخته شد مدرسه‌ای بود تحت عنوان «مدرسه علمیه» بود که از دو قسمت تشکیل می‌یافت. بخشی از آن ابتدائی و بخش دیگر در سطح متوسطه بود. این مدرسه محل تجمع تجدد خواهان و بنیان مدارس جدید شد که در آغاز در انجمن معارف جمع بودند. در حقیقت محل فعالیت انجمن معارف در آغاز همین مدرسه بود. پس از این اقدام آوازه کار انجمن چه در داخل و چه در خارج از کشور پیچید. در آغاز کار این انجمن، امیدهای فراوان به آن می‌رفت. در مورد چگونگی پیشرفت کار انجمن معارف پس از تاسیس این مدرسه و چشم انداز آن برای آینده نوشته اند:

«اقدامات انجمن معارف بعد از حوادث اخیر در تمام مملکت و بلکه در همه جای دنیا انعکاس نیکو افکنده، تصور می‌شود پیکر این مملکت که مدت پنجاه سال سلطنت ناصر الدین شاه، در زیر دست روسای نالایق و وزرای ناقابل که شرح زندگانی آن‌ها را مولف رساله غیبی [ملکم خان ناظم الدوله] به بهترین وجه بیان نموده است، در آخر به درجه ناتوانی افتاده به واسطه هیجان روح معارف پروری قوت و قدرت خواهد یافت» (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۹۰/۱). پس از مدرسه علمیه مدارس دیگری چون افتتاحیه، شرف، دانش سادات، ادب، قدسیه، کمالیه، سعادت و ... یکی پس از دیگری با یاری اعضای انجمن معارف و دیگر فرهنگ دوستان تاسیس یافت که در حقیقت

پایه های نخستین این مدارس پس از تشکیل مدرسه رشدیه و انجمن معارف نهاده شده بود(دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۹/۱).

ب) تامین بودجه مدارس : انجمن معارف در ابتدا برای تامین بودجه لازم برای مدارس از رجال و دیگران اعانه هایی جمع آوری کرد و صندوق مخصوصی برای این منظور در نظر گرفت به نام صندوق معارف و کمک های مردم را در یک جا جمع کرد و میان مدرسه های نوپنیا تقسیم کرد . متاسفانه اینجا نیز در تقسیم بودجه اختلاف نظرها و سیاست ها ، موانعی را در پیشرفت مدارس جدید به وجود آورد. اما به مدد همین یاری ها بود که مدارس اولیه در تهران اداره می شد به ویژه آن زمان که امین الدوله بر مصدر کار ها بود ، وضع انجمن از نظر مالی و امکانات دیگر به مراتب رضایت بخش تر بود و شاید همین امر بود که رشدیه را به گشاده دستی کشاند و مخالفانش همان را بهانه قرار دادند تا وی و امین الدوله را از فعالیت های فرهنگی باز دارند.

برای تامین نیازهای مدارس و پیشبرد کارهای انجمن ، احتشام السلطنه به امر صدر اعظم امین الدوله ، دفتری برای جمع آوری کمک های مالی افراد فراهم آورد .نخست آن را پیش مظفر الدین شاه برد و وی در آن دفتر دو هزار تومان اعانه نوشت و در زیر دست خط شاه ، خط امین الدوله بود که مطلبی به این مضمون نوشته بود: «این بنده در گاه برای این مقصود خیر دوازده هزار تومان بندگی خواهد کرد» (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۳۶).

وزراء و امرا و اعیان و تجار به اهتمام قابل تمجید احتشام السلطنه هر یک به عنوان استمراری و غیر استمراری مبلغی در آن دفتر ثبت می نمایند . وجوه اعانه نزد احتشام السلطنه جمع می شد و این برای پیشرفت مدارس بسیار مهم بود. میرزا حسن رشدیه مدیر رشدیه تهران ، بودجه سنگینی برای مدرسه ترتیب داده ناهار مفصل به شاگردان و به معلمین و به عموم اجزاء می دهد . برای خود و اعضای مکتب بیش از آن چه مقتضی به نظر می آید حقوق معین نموده و با لجمه مکتب را مانند یک اداره دولتی محتشمی در آورده بود . در صورتی که وضع پریشان مملکت اقتضای این بود چه را برای مکتب ندارد . رشدیه تصور می کند امین الدوله همیشه صدر اعظم خواهد بود و یک مکتب را که به او منسوب است با هر بودجه ای باشد نگاهداری خواهد کرد و همین زیاده روی او موجب

اختلاف کلمه وی با اعضای انجمن می گردد. به مرور اختلاف بین اعضای انجمن شدت گرفت و به گوش مظفر الدین شاه رسید ، وی نیز مسئولیت کلیه تاسیسات انجمن معارف را به وزیر علوم سپرد و احتشام السلطنه را که سمت معاونت وزارت خارجه را داشت از کار بر کنار کردند و به حکومت کردستان منصوب کردند .

واقعیت آن است که صرف نظر از رقابت میان اعضای داخل انجمن معارف ، شاه و امین السلطان که به تازگی جانشین امین الدوله شده بود نظر خوشی نسبت به اقدامات انجمن نداشتند و از مخالفان سرسخت فعالیت های انجمن بودند و از این رو سعی کردند که فعالترین و بی پروا ترین عضو انجمن را از تهران دور کنند که دور کردن احتشام السلطنه از انجمن معارف و فرستادن او به کردستان در همین راستا بود(قاسمی پویا،۱۳۷۷: ۲۷۱).

امین السلطان که نمی خواست به صورت آشکار با تجدد خواهان و هواداران مدارس جدید مبارزه کند بر آن شد که به جای انجمن معارف ، شورای عالی معارف را با اعضای انتخابی خود تشکیل دهد . بدین منظور یکی دو جلسه در خانه اش تشکیل داد و سر انجام روز سه شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۱۹ هجری بر حسب دعوت وزیر علوم اولین جلسه شورای عالی دولتی معارف را تشکیل داد. اعضای این مجلس عبارت بودند از وزیر علوم ، حاج مخبر السلطنه و میرزا کریم سردار مکرّم و میرزا مهدی خان زعیم الدوله به این ترتیب شورای عالی معارف جانشین انجمن معارف شد و محل آن را در کتابخانه قدیم دارالفنون تعیین کردند و رئیس آن هم وزیر علوم بود.

ج) تاسیس کتابخانه، دارالترجمه و دارالتالیف : در ایام صدارت امین الدوله از جمله وظایفی که برای انجمن معارف معین شده بود تاسیس کتابخانه و دارالترجمه و دارالتالیف بود. عزل امین الدوله از صدارت ، فعالیت های انجمن را محدود ساخت و اعضای آن را از تعقیب این خیالات نا امید کرد. اما پس از آن که انجمن معارف ملاحظه کرد میرزا علی اصغر خان ، صدر اعظم با انجمن مخالفت صریح نمی کند ، بلکه در ظاهر مساعدت هایی هم می کند تصمیم گرفت برای انجمن نظامنامه داخلی بنویسد تا از اختلافات جلوگیری شود و پس از آن که به تشکیل کتابخانه پرداخت . برای این منظور مکان مخصوصی در نظر گرفت و کتابخانه را دایر کرد که جلسات انجمن نیز در همان مکان دایر شد.

اعضای انجمن در جمع آوری کتاب برای کتابخانه از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند چنان که در زمان کمی بیش از هزار جلد کتاب در فنون مختلف جمع آوری شد. ریاست کتابخانه نیز به عهده محمد اسماعیل آجودان باشی نهاده شد. انجمن معارف علاوه بر کتابخانه به تاسیس دار التالیف و دار الترجمة نیز اقدام کرد و در صدد تشکیل شرکتی برای طبع و نشر کتاب بر آمد. میرزا محمد حسین فروغی ذکاالملک و پسرش میرزا محمد علی خان و شیخ محمد بن عبدالوهاب قزوینی را برای انجام این خدمت استخدام کرد (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۸۹/۱). این شرکت کتاب های مختلفی در زمینه های گوناگون به چاپ رسانید. اقدام دیگر انجمن معارف و شرکت طبع و نشر، چاپ کتاب های درسی برای شاگردان بود که تا آن زمان تقریباً بی سابقه بود. گفتنی است که نخستین کتابی که توسط این انجمن نوشته شد کتاب شریعات به زبان ساده بود که توسط یحیی دولت آبادی تالیف شد. هدف از نوشتن چنین کتابی علاوه بر دادن آموزش های دینی به زبان ساده، جلوگیری از تهمت های مخالفان مدارس جدید بود که این مدارس را عاملی برای بی دینی و لامذهبی معرفی می کردند؛ دولت آبادی خود در این زمینه می نویسد: «کتاب علمی نه تنها درس شریعات مکاتب را منظم نموده، بلکه به منزله سپری است برای نگاهداری نمودن معارف نورس از تیر های تهمت بی دینتی که از طرف مخالفان به جانب آن موسسه ها رها می گردد.» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۲۰/۴). کتاب مذکور انجمن معارف را تقویت و مدرسه های جدید را روح تازه بخشید و زبان بد خواهان را تا اندازه ای کوتاه کرد.

د) روزنامه معارف: یکی دیگر از اقدامات انجمن معارف تا سیس روزنامه بوده است. انجمن از همان آغاز تصمیم داشت روزنامه ای نیز منتشر کند. ولی موفق نشد و سرانجام مفتاح الملک بانی مدرسه افتتاحیه و عضو انجمن اجازه تاسیس روزنامه را در یافت داشت اما بعضی دیگر صاحب امتیاز را انجمن معارف ذکر کرده اند (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۳۸-۲۳۷). این روزنامه به ویژه پس از بر کناری احتشام السلطنه از انجمن، به تاریخ غُره ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸ م شروع به فعالیت کرد. مطالب این روزنامه راجع به امور آموزشی بود (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۳۵۱). روزنامه معارف از بهترین منابع برای اطلاع از اوضاع معارف و مدارس زمان مظفر الدین شاه می باشد. در بعضی شماره های

آن مطالب علمی که با صور و اشکال توضیح داده شده از قبیل حرکت زمین و بعضی تجربیات فیزیکی و شیمیایی چاپ شده است .

ه) تشکیل کلاس های اکابر : اقدام دیگر انجمن معارف ، تشکیل مدرسه اکابر بود که در ساعت اول شب برای سالمندانی که تحصیل معیشت و تکفل عائله و پشت سر گذراندن سنین کودکی و جوانی مانع از تحصیل ایشان در مدارس جدید بود. در کلاس اکابر به تحصیل پرداختند ، مدرسه اکابر تحت ریاست ادیب کاشانی با دو کلاس شروع به کار کرد ، کلاس اول مخصوص بیسوادان و کلاس دوم برای آن ها که مقدمات خواندن و نوشتن را می دانستند و علاقمند به ادامه تحصیل بودند، اختصاص یافت (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۳۶).

لازم به ذکر است که در هیچ یک از مآخذ تاریخی و یادداشت هایی که مشروطه خواهان و معارف پروران از این سال ها نوشته اند اشاره ای به تاسیس کلاس های شبانه سالمندان نشده است و چهل سال بعد از این تاریخ همین نام کلاس اکابر برای کلاس های شبانه سالمندان که به وسیله وزارت معارف تشکیل شده بود ، انتخاب گردید ، نامی که انجمن معارف در سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ هجری ده سال قبل از طلوع مشروطه و چهل سال قبل از کلاس های اکابر سالمندان وزارت معارف با ابتکار و تحت ریاست احتشام السلطنه و با شرکت جمعی فرهنگ دوست تاسیس و دائر گردید.

نتیجه گیری

در دوره قاجار عده ای از مردم ایران با تحولات جهان غرب و پیشرفت آنان در زمینه های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی آشنا شدند و این آگاهی آنان را به فکر فرو برد که راز پیشرفت غرب و عقب ماندگی خود را بدانند . عده ای از آنان بدین نتیجه رسیدند که سر پیشرفت غرب در مدارس آن است . لذا این گروه سعی کردند به تقلید از غرب مدارس را در ایران احداث کنند . این امر در ابتدا به وسیله امیر کبیر و با بودجه دولتی انجام گرفت و نتوانست فراگیر شود و بیشتر در خدمت فرزندان اعیان و اشراف بود . اما در سال ۱۳۰۵ هجری در تبریز مدرسه ای با عنوان رشديه توسط میرزا حسن خان رشديه تاسیس شد اما این مدرسه بارها توسط نیرو های سنت گرا تعطیل شد و موسس آن نیز بارها تبعید گردید .

در زمان حاکمیت امین الدوله در تبریز، از آن جا که وی فردی فرهیخته بود لذا میرزا حسن رشديه را در تبریز یاری کرد تا مدرسه خود را بازگشایی کند. این کار صورت گرفت و رونق فراوان گرفت و مورد استقبال فراوان قرار گرفت. با شروع صدر اعظمی امین الدوله رشديه به تهران فرا خوانده شد و با کمک امین الدوله مدرسه جدیدی احداث کرد. این اقدام سبب شد افراد فرهنگ دوست نیز اقدام به تاسیس مدارس نوین کنند به نحوی که در حدود چند سال سی و شش باب مدرسه در تهران احداث گردید. مخارج تاسیس این مدارس از کیسه فتوت افراد نیکو کار تامین می شد. این بانیان مدارس برای اداره بهتر این مدارس و رونق آنها دست به تشکیل انجمنی با نام انجمن معارف زدند. این انجمن با برپایی جلسات و نوشتن نظام نامه، شروع به کار کرد و وجوه مورد نیاز مدارس را از دولتمردان و خیرین جمع آوری می کرد. همچنین برای رونق بهتر مدارس دست به احداث کتابخانه و چاپخانه و ترجمه های کتاب های مفید زد. هدف از تشکیل انجمن معارف سامان بخشیدن به وضع مدارس جدید و اشاعه فرهنگ نو در جامعه بود. اما غرض شخصی برخی از اعضاء و اختلاف موجود میان آنان نگذاشت این انجمن کاملاً به اهداف فرهنگی خود که در آغاز منظور نظر فرهنگ دوستان آن روزگار بود، دست یابد اما با این حال کارهایی نیز انجام داد که در سامان دادن به وضع پریشان مدارس قابل توجه است.

منابع و مأخذ

۱. احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۷)، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
۲. افشار، ایرج (۱۳۶۵) رجال وزارت خارجه (ممتحن الدوله شقاقی)، تهران.
۳. بنی اقبال، ناهید؛ ناصح، محمد امین (۱۳۵۸) سیر تکوین نظام آموزشی نوین در ایران.
۴. دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲) حیات یحیی، ج اول، تهران: عطار، چاپ چهارم.
۵. رشديه، فخرالدین (۱۳۷۰) زندگینامه پیر معارف رشديه، تهران: هیرمند.
۶. صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، تهران: کمال.

۷. صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳) رهبران مشروطه، ج ۱، تهران: علمی.
۸. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. کسروی، احمد (۱۳۵۶) تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیر کبیر.
۱۰. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰) تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳) شرح زندگی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، ج ۱، تهران: مصور.
۱۲. میرانصاری، علی (۱۳۶۸)، انجمن معارف، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰.
۱۳. ناظم الاسلام، محمد (۱۳۵۷) تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: دانشگاه تهران.